



مشکل جوانان ما در چیست؟

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
وان چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کر صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گم شدگان لب دریا می‌کرد
بی‌دلی در همه احوال خدا با او بود
او نعمی دیدش و از دور خدایا می‌کرد
حافظ

زنان مصری وقتی جمال یوسف را دیدار
کردند زیان به تکبر گشوده، به جای ترنج دست‌ها

مجید رسیدپور

را از خود دور ساختند.

باید توجه داشت که زیر بنای برخی از رذائل اخلاقی احساس کمبود و ناتوانی است. جوان وقتی دریابد که توانمند و غنی است، بسیاری از رفتارهای غیر منطقی خود را کنار خواهد گذاشت. از طریق آموزش در طول سال‌های تحصیلی، معلومات و علوم فراوانی در اختیار فرزندان این آب و خاک قرار گرفته است، ولی متأسفانه جوان امروز از هویت خود آگاه نیست و نمی‌داند وجود و هستی او سرچشمۀ جوشان کمالات و جوانی، رمز تعالیٰ و پیش‌رفت است.

خداآوند متعال نظام هستی را با توانمندی و قدرت آفرید. بسیاری از دانشمندان هنوز نتوانسته‌اند به شناسایی ابعاد فراوان آفرینش دست یابند. خداوند متعال در آفریدن منظومه‌ها از خلق و آفرینش خود تعریف و تمجید نکرده و فقط در آفرینش انسان، خلقت خود را ستوده است، آن جا که می‌فرماید: «**فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**». از این جمله به خوبی آشکار می‌شود که آفرینش انسان شاهکار خلقت است. بسیاری از دانشمندان اعتقاد دارند که انسان موجود ناشناخته‌ای است. دانشمندان اسلامی انسان را جهان اکبر و نظام خلقت را جهان اصغر نامیده‌اند.

ناگفته نماند که انسان از نظر جسمی محدودیت‌هایی دارد و این عظمت و تعالی در ارتباط با بعد روحی و روانی انسان است که دارای طرفیتی بی‌کران است.

یکی از شیوه‌های هجوم فرهنگی این است که سعی می‌شود به ملتی که می‌خواهند آن را استثمار کنند با شیوه‌های گوناگون تلقین کنند که افراد آن ملت عرضه ندارند و نمی‌توانند روی پای خود بایستند و سپس به غارت منابع ارزشمند آن ملت و کشور اقدام می‌کنند.

را بریدند و گفتند: تبارک الله، این بشر نیست. که فرشته‌ای زیبا چهره است. «**فَلَمَّا وَأْتَهُمْ أَكْبَرَهُمْ وَ قَطَعُنَ أَيْدِيهِنَّ وَ قَلَّ حَاسَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ**».

برادران یوسف بر اثر جهل و نادانی او را به ارزان‌ترین قیمت به قافله فروختند. خداوند می‌فرماید: «**وَ شَرَوْهُ بِشَنِينَ يَعْسُنَ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةَ**». برخی از مفسران وقتی به تفسیر این آیه می‌رسند می‌گویند: «ای خواننده، تو خود کمال یوسفی را در عمق جان دارا هستی، به جای لعن و نفرین به برادران یوسف، بکوش تا جان زیبا را دریابی و قدر آن را بدانی.

مشکل جوانان ما فقر اقتصادی نیست. امیر کبیر پدرش یک آشپز ساده بود، ولی او با تلاش و کوشش خود را به صدر اعظمی ایران رساند. بزرگ‌ترین فیزیکدان ایران، مرحوم دکتر محمود حسابی، در دوره کودکی و تحصیلی مشکلات بسیاری را پشت سرگذاشت. مادر ایشان نان‌های خشک شده را جمع آوری می‌کرد و به عنوان غذا به فرزندانش می‌داد تا آنان به تحصیل ادامه دهند. مشکل نوجوان و جوان ما اختلاف پدر و مادر و گستینگی خانواده نیست. استاد تعلیم و تربیت، «پستالوزی»، عده‌ای از کودکان بی‌سربرست را در خانه خود جمع کرده بود. او اولین و اساسی‌ترین کاری که با این کودکان انجام داد این بود که به آن‌ها فهماند آنان انسان‌اند و انسان ارزشمند است. او در کارگاهی که در خانه خود به وجود آورده بود، استعدادها و رغبات‌های آنان را شکوفا ساخت. کودکان وقتی دریافتند که ارزشمندند دیگر کنک‌کاری و جیب‌بری و نزاع را رها کردند، زیرا احساس می‌کردند که توان‌مندند. آری، کودکان «پستالوزی» با این که پدر و مادر نداشتند وقتی به استعدادهای درونی خود پی برند، رذائل اخلاقی



که سرباز ایرانی مصمم است وطن خود را حفظ کند. همین امر باعث شد که دشمنان دریابند با حمله نظامی نمی‌توانند ایرانی را به سته آورند. در کتاب "روان‌شناسی جنایی" آمده است که خبرنگاری به دیدار بزرگ‌ترین قاتل آمریکایی رفت. وقتی از او پرسید چرا به چنین جنایاتی اقدام کردی؟ او در پاسخ گفت: مدرسه نتوانست مرا تحمل کند و مرا اخراج کرد. خانواده نیز نتوانست مرا درک کند، لذا وقتی که راهها به رویم بسته شد، به ناچار سعی کردم از راه غیرمنتطق ثابت کنم که

بزرگ‌ترین خدمتی که استاد بزرگوار و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خمینی قدس سرہ به ملت ایران عرضه کرد این بود که فرمود ایرانی می‌تواند روی پای خود بایستد و خود را اداره کند.

امروز فرهنگ ما پیش‌رفت کرده است و با گسترش بیش‌تری معلومات را به جوانان این مرز و بوم انتقال می‌دهد. ما باید از این رشد و گسترش سپاس‌گزار باشیم، ولی نقطه کوری در رشد شخصیت دلخواه جوانان وجود دارد. گرچه در دانشگاه درس‌هایی تحت عنوان انسان‌شناسی تدریس می‌شود، ولی به عقیده من کمی دیر است، زیرا اگر دو واحد درسی در دبیرستان برای شاگردان گذشته می‌شد، جوانان ما وقتی در پشت کنکور متوقف می‌شدند، هرگز خود را نباخته، چهار یأس و حرمان نمی‌شدند و با تلاش و کوشش سعی می‌کردند از سایر ذخایر وجودی خود بهره بگیرند. من به همه کسانی که زمینه تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی را فراهم آورده‌اند درود می‌فرستم. البته گذشته از انتقادها و ایراداتی که بر آن وارد است، اعتقاد من این است که بزرگ‌ترین خدمت دانشگاه آزاد اسلامی به جوانان ما این است که دختر و پسر ایرانی فهمیدند که می‌توانند در دانشگاه قبول شوند و توانایی آنان به صورت مطلق نمی‌شود. چه بسیار جوانانی که با تلاش و کوشش موفق به اخذ مدارک عالی از دانشگاه آزاد شدند و هم‌اکنون منشاء فعالیت‌های گوناگون‌اند.

به عقیده بنده بزرگ‌ترین مشکل جوانان ما این است که خود را نشناخته‌اند و به توان و قدرت فراوان خود باور ندارند. در جنگ‌های عراق و ایران همه می‌دانستند که سرباز ایرانی فاقد تجهیزات است، ولی به این نکته نیز رسیده بودند

پسран جوان کرده، با شیوع انواع فساد از طریق توزیع عکس‌ها و پوسترهای مستهجن و مواد مخدور و ارائه برنامه‌های ماده‌واره‌ای مبتذل و حیوانی، آنان را با فرهنگ غربی که مملو از فساد و تباہی است آشنا می‌کنند و آن هنگام که نیروهای ارزشمند و اصیل جوانان از بین رفت، با حمله نظامی و سایر تاکتیک‌های سیاسی آن ملت را به فساد و تباہی می‌کشانند.

باید به هوش باشیم که تاریخ آندرس در حال تکرار است. در کتاب "غروب آفتاب در آندرس" آمده است که کشیشان با وقف نمودن باغ‌های انگور به جوانان مسلمان آنان را با انواع فحشاً و تباہی آشنا ساختند. وقتی مساجد از جوانان تهی شد با حمله نظامی به شهرهای مسلمانان مساجد را از خون مسلمانان رنگین کردند و با طرح و نقشه‌ای زیبا چراخ حکومت پانصد ساله آندرس به خاموشی گرایید. امروزه همه شاهدیم که در هر کوی و برزن به نقل و انتقال مواد مخدور اقدام می‌کنند و در رسانه‌های جهانی با هدف سیاسی این گونه انعکاس داده می‌شود که کشور ایران از کشورهایی است که از همه بیش تر با مواد مخدور مبارزه می‌کند. امروزه دشمن شکست خورده از راه شیوع فساد و تباہی به کشور ما هجوم آورده است تا جامعه را از درون تهی سازد.

متأسفانه برخی از مطبوعات خودی نیز ناخواسته به این تهاجم فرهنگی دامن می‌زنند و در نتیجه روح ایمان اسلامی را در جوانان تضعیف می‌نمایند. آن‌ها نمی‌دانند که در اولین فرصت، خود آنان طعمه این تهاجم قرار خواهند گرفت.



من وجود دارم.

امروزه جوانان ما باید به جای فرهنگ غربی، فرهنگ اسلامی را برگزینند، زیرا در منطق دین انسان می‌تواند خود را به عالی ترین درجات ارزشمندی برساند، در حالی که در فرهنگ غربی توان‌مندی انسان در چهارچوب ماده محدود می‌شود.

در تهران مدارس نمونه‌ای وجود دارد که در پرتو تلاش معلمان شایسته و الگوهای مجسم، شاگردان را طوری تربیت می‌کنند که دین و تقوا جزء ذات وجود آن‌ها می‌گردد، ضمن این که از عالی ترین درجات علمی نیز برخوردار می‌شوند. در پرتو تعلیم و تربیت واقعی اسلامی، جوانان به هویت واقعی خود پی می‌برند و شاید یک دهم لغزش‌ها و اشتباهات دیگر دانش‌آموزان را مرتكب نمی‌شوند.

از این جا به خوبی آشکار می‌گردد که هدف اساسی آموزش و پرورش باید انسان‌سازی باشد، نه انتقال فرهنگ و علوم خشک و بی جان غربی. رسول خدا در باره همه انسان‌ها به خصوص جوانان که مورد تأکید خاص ایشان بودند، می‌فرمودند: النام معادن کمعدان‌الذهب والفضة. البته این امر مشروط بر آن است که خود انسان با سعی و تلاش ذخائر وجودی خود را استخراج کند.

بزرگ‌ترین هدفی که در تهاجم فرهنگی مطمح نظر غربی‌هاست، نابودی فرهنگ اسلامی است، زیرا آنان به تجربه به این واقعیت دست یافته‌اند که تا زمانی که جامعه‌ای این فرهنگ را داشته باشد، آنان هرگز به اهداف سیاسی خود نخواهند رسید، و برای وصول به این هدف، می‌کوشند جوانان را از ایمان تهی سازند. از همین رو نوک حمله خود را متوجه دختران و